



شنبه ۲۹ دی ۱۴۰۳

وطن امروز | شماره ۴۲۳۲

فرهنگ و هنر

اخبار

محل شعر و ادب ایران و تاجیکستان برگزار شد



همزمان با سفر رئیس‌جمهور ایران به تاجیکستان و به همت بنیاد سعدی و همکاری سفارت جمهوری اسلامی ایران در این کشور، جمعی از شاعران ایرانی و تاجیک در فضایی صمیمی و پرشور با یکدیگر دیدار کردند.

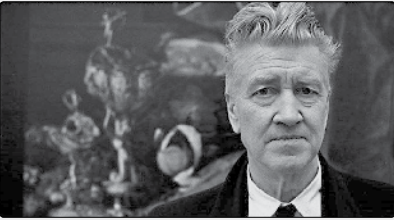
در این مراسم که در کتابخانه ملی تاجیکستان برگزار شد، سیدرضا صالحی امیری وزیر میراث فرهنگی و گردشگری ایران، سنسارگان امان‌زاده وزیر فرهنگ تاجیکستان، سفیر ایران و جمعی از مسئولان فرهنگی ۲ کشور نیز حضور داشتند و بر اشتراکات تاریخی و تمدنی ۲ ملت و لزوم ارتقای سطح همکاری طرفین در حوزه فرهنگ و ادبیات تأکید کردند.

همچنین در بخشی از این مراسم، شاعران ایرانی و تاجیک به خواندن آثاری از خود پرداختند که با تشویق و استقبال حاضران در مراسم مواجه شد. در این مراسم همچنین قطعاتی از موسیقی تاجیکستانی اجرا شد. از شاعران ایرانی حاضر در این مراسم می‌توان به شه‌دخت زارع گلستانی، لیلا مهین‌حسین‌نیا، افشین علا، محمود رضا اکرامی‌فر، سعید بیابانکی و حامد عسکری اشاره کرد.

از شاعران معاصر تاجیکستان نیز شاعر برجسته‌ای همچون گلرخسار صفی‌آوا و دیگر شاعران تاجیکی به شعرخوانی پرداختند.

■ ■ ■

دیوید لینچ در گذشت



دیوید لینچ، کارگردان آمریکایی در ۷۸ سالگی درگذشت. لینچ کارگردان فیلم‌های مطرحی چون «مرد فیل‌نما»، «خمل آبی»، «از ته دل وحشی» و «جاده مهالمانند» بود.

این کارگردان برجسته آمریکایی به‌واسطه سبک ساختاری متفاوت و روایت‌های دومینووار و پریچ‌وتاب خود، همواره کارگردان محبوب منتقدان در سراسر جهان شناخته می‌شد.

این فیلمساز در سال ۱۹۹۰ برنده نخل طلای کن برای فیلم «از ته دل وحشی» شده بود.

لینچ ۴ بار نامزدی اسکار را در کارنامه دارد که البته هیچ‌گاه موفق به کسب این جایزه نشد تا یکی از بزرگ‌ترین ناکامان اسکار لقب بگیرد.

او سال ۲۰۰۳ و طبق نظرسنجی مجله گاردین، به عنوان بزرگ‌ترین فیلمساز زنده دنیا انتخاب شد.

■ ■ ■

«درسی از ناکامی‌های آمریکادر ارتقای آموزش عمومی» در کتاب‌فروشی‌ها

ترجمه کتاب «بازطراحی آموزش: درسی از ناکملی‌های آمریکا در ارتقای آموزش عمومی» توسط نشر اختران منتشر و راهی بازار نشر شد.

کتاب «بازطراحی آموزش: درسی از ناکملی‌های آمریکا در ارتقای آموزش عمومی» نوشته مشترک کنت ویلسون و بنت دیویس به‌تازگی با ترجمه مشترک آرش اردהالی و امین هاشمی توسط نشر اختران منتشر و راهی بازار نشر شد.

نظام آموزشی آمریکا تفاوت‌های محتوایی عمده‌ای با آموزش‌وپرورش ایران دارد اما در مقیاس راهبردی و سیستمی، طرح‌های کتاب پیش‌رو از جمله شبیه مدارس بازطراحی سیستم‌ها، در ایران نیز قابل استفاده‌اند. این کتاب نشان می‌دهد یک برنده جایزه نوبل به علم ناکاملی تلاش‌های اصلاحاتی در مدارس دولتی جلب شده است. کنت ویلسون به عنوان یک اصلاحگر، خود را موظف دانسته از تاریخچه اصلاحات آموزشی مطلع شود و مطلق شکست‌شان را توضیح دهد.

نویسندگان کتاب پیش‌رو با مثال‌های مشخص و متقاعدکننده جوانب اصلی آن فرایند طراحی را که موجب دستاوردهای علمی است شرح می‌دهند و پس از توضیح موضوعیت داشتن و اهمیت فرایند طراحی برای آموزش، به قول خودشان دچار این اشتباه نمی‌شوند که کاربرد مستقیم این فرایند را در آموزش توصیه کنند، بلکه جای آن، ببینش و خرد درک این مساله را از خود نشان می‌دهند که فرایند طراحی در علوم باید با این حقیقت تطبیق داشته باشد که مدارس نظام‌هایی اجتماعی هستند؛ محافظه‌کار، سنتی، مقاوم در برابر تغییر و فاقد انجمن‌ها یا سازوکارهایی برای تصحیح خود.

نویسندگان «بازطراحی آموزش…» در ادامه جزئیات یکی از معدود تلاش‌های موفق اصلاحی یعنی برنامه «بهبود خواندن» را شرح می‌دهند تا نشان دهند چگونه و چرا فرایند طراحی می‌شود و باید در راستای تغییر طرز فکر و تشبیه کار آموزشکاران به‌طور اخص، و کل افراد مردم به‌طور اعم، به کار بست.

۲ نویسنده از نقدهای اصلاحگران دیگر شروع می‌کنند اما از آنها نیز فراتر می‌روند و در همان حال که اثبات می‌کنند مدارس هرگز ارتقا نخواهند یافت، طرحی مشخص و قانع‌کننده از مسیری که باید پیش گرفته شود ارائه می‌دهند، مسیری که می‌گویند به هیچ وجه شامل جهت‌گیری‌های عجیب‌وغریب یا مرموز نیست

حضرت‌امیرالمومنین(ع)؛

برای تأدیپ خود همین بس که از آنچه در دیگران نمی‌پندسی دوری کنی.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز ومدیرمسئول:محمد آخوندی
مدیرعامل:زهاشکبایی
سر‌دبیر:سید‌عابدین‌نور‌الدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۸
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۸
نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
پيام‌رسان: vataneerooz.ir
پست الکترونیکی: info@vataneerooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۲۰۰

تحلیل و بررسی فیلم «برف آخر» و آثار مشابه آن در سینمای ایران

برف سیاه سینمایی

■ **برف‌های غمگین و مایوسانه سینمای ایران**

برف یکی از جدی‌ترین عناصر بصری در سینماست که معانی و تفاسیر مختلفی برای آن تعریف شده و از این میان ۳ عنصر، جالفتاده‌تر و عمومی‌تر هستند. یکی از این معانی نمادین، شروع دوباره‌است که ریشه آن به سال نوی میلادی در کشورهای غربی بازمی‌گردد، چون معمولاً کریسمس با بارش برف همراه است. همچنین برف نمادی بی‌گناهی، پاکي و حتی شادی کودکانه است و در نهایت، می‌تواند نماد مرگ و پایان یک سفر یا زندگی باشد. هر ۳ مورد از این معانی نمادین و القائات حسی برف را می‌توان در فیلم «برف آخر» هم دیده؛ هم شروع دوباره و تحول، هم بی‌گناهی و معصومیت که شامل کودک فیلم و حیوانات می‌شود و هم مفهوم «پایان» که در نام فیلم هم دیده می‌شود.

اما می‌توان پرسید آیا به طور کلی برف در سینمای ایران همان حال و احوال و معناهایی را دارد که در سینمای سایر کشورهای دنیا دارد؟ به‌رغم بعضی همپوشانی‌ها، به نظر نمی‌رسد کاملاً چنین باشد.

در سینمای ایران، فیلم‌های زیادی با فضای برفی وجود دارند که بعضی از آنها به ضرورت‌های روایی در این فضا قرار گرفته‌اند، مثل تعدادی از آثار دفاع‌مقدس که داستان آنها در زمستان جبهه‌های غربی می‌گذرد؛ از جمله «شک سرما» اثر عزیزالله حمیدنژاد. در بعضی موارد از فیلم‌ها، برف به عنوان یک مانع طبیعی برای شخصیت‌های داستان عمل می‌کند، مانند «جاده‌های سرد» از مسعود جعفری جوزانی. همچنین بعضی فیلم‌ها که در نام‌شان واژه برف وجود دارد، خودشان به این فضا ارتباطی ندارند، مثل «آدم‌برفی» از داوود میرباقری. به‌طور کلی، فضای برفی در سینمای ایران با کشورهای غربی تفاوت دارد. برف‌های سینمای ایران معمولاً غمگین‌تر و همراه با حس سردی، سکون، تنهایی و یخزدگی هستند. در هنر ایرانی آنچه از دیرباز نماد رحمتی، رستگاری، تحول و فراوت بوده، نور است و سبزی. حتی ایرانی‌ها از دیرباز در شب یلدا که زمان آن نزدیک کریسمس است و بلندترین شب سال به حساب می‌آید، به پشت بام‌ها می‌رفتند و بر ظرف‌شان با قاشق می‌کوبیدند تا در نبرد بین سرما و خورشید، از خورشید هواداری کنند. طبیعی است که با این پیشینه فکری، نگاه نمادین به برف بین اروپایی‌ها و ایرانی‌ها تفاوتی معنادار داشته باشد.

در سال ۸۱، فیلم «باران» مجید مجیدی، فضای برفی را با مصیبت‌های یک دختر افغانستانی موزای کرد که مجبور است مانند پسرها لباس بپوشد، خودش را پسر جا بزند و کار کند.

این فیلم با وجود اینکه در جشنواره فجر موفق بود و طبیعتاً باید زمان و سالن‌های مناسبی برای اکران پیدا می‌کرد، با وقفهای ۲ ساله از ۲۸ آذرماه در ۱۰۰ سالن سینما به نمایش عمومی درآمد که به مرور تعداد آن‌افزایش یافت و تاکنون حدود ۱۳۰۰ سانس داشته است و با میانگین حدود ۱۳ بلیت برای هر سانس، تا‌اینجای کار به عدد یک میلیارد و ۸۰ میلیون تومان فروش نزدیک شده است. برف آخر از آن فیلم‌هایی است که به‌طور تپییکال به عنوان «فیلم هنری» شناخته می‌شوند؛ فیلم‌هایی که مخاطب عام چندانی ندارند و بخشی از جامعه منتقدان یا علاقه‌مندان حرفه‌ای سینما ممکن است آنها را بیسندند. البته در دوران جدید طغیان گسترده‌ای علیه این معیارهای قدیمی انجام شده و دیگر به راحتی نمی‌توان به طور کلی حتی حرفه‌ای‌های سینما را جزو علاقه‌مندان این تیپ بویژه از سینما دانست. این نوع فیلم‌ها در میانه‌های قرن بیستم، ساختار متداول قصه‌گویی را در فیلم‌ها به چالش کشیده بودند و همین شوک می‌توانست به گسترش دستور زبان سینما کمک کند اما اولا امروز چیزهایی که با از‌مومن و خستلا و تجربه‌گرایی، از رهگذر خلق چنین اثری قرار بود کشف شوند به نقطه اشباع رسیده است و ثانیاً همین فیلم‌ها که قرار بود روزگاری کلیشه‌ها را به چالش بکشند، با تکرار مؤلفه‌های یکسانی که اصطلاحاً به آنها جشنواره‌پسند گفته می‌شود، تبدیل به یک ژانر قابل حدس و پیش‌بینی شده‌اند.

«برف آخر» هم فیلمی است که نمی‌توان در آن بداعت و تازگی خاصی دید و تمام عناصر تشکیل دهنده ساختار آن چیزهایی هستند که در قالب فیلم‌های این‌چنینی دیگر هم دیده شده‌اند. برف آخر از آن دست فیلم‌هایی است که تماشا کردن‌شان «حوصله» می‌خواهد نه «ذقت» و اگر هم کسی بخواهد اندکی در جزئیات آن دقیق شود، احتمالاً به این نکته خواهد رسید که کارگردانش با اینکه در دل طبیعت و ماجور با فضای روستا فیلم ساخته، ذهنیت خودش بر خاسته از آن فضا نبوده و صرفاً با یک عینک توریستی که هندسه اصطلاحاً هنری و خاص دارد آن فضا را دیده است. اینها همگی باعث می‌شوندفیلمی کهچهرههایی مثل امین حیایی، مجید صالحی و لادن مستوفی را در فهرست بازیگرانش دارد و توماری از نامزدی‌ها و جوایز فجر هم در عقیم‌اش قرار می‌گیرد، در نهایت نتواند با عموم مخاطبان ارتباط چندانی برقرار کند. در این میان تنها یک نکته خاص برای گفتن باقی می‌ماند که آن هم خود برف است. یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی که برف آخر به عنوان یک فیلم هنری دور از فضای شلوغ شهری سراغ آن رفته، جغرافیای روایت و محیط برفی است. این فیلم می‌تواند بهانه‌ای دست و پا کند تا تفاوت نگاه نمادین سینماگران ایرانی به برف را با سایر فیلمسازان جهان بررسی کنیم.



نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۸
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۸
نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
پيام‌رسان: vataneerooz.ir
پست الکترونیکی: info@vataneerooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۲۰۰



عملیات ناامیدسازی؛ محور اصلی جنگ سایبری آمریکا علیه ایران

در میان مخاطبان نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. عملیات‌هایی که با هدف افشای اطلاعات حساس یا تخریب وجهه سازمان‌ها و نهادهای ایرانی انجام می‌شود، نمونه‌ای از هک و نشت اطلاعات در این حوزه است. علاوه بر این، اینفلوئنسرهای فارسی‌زبان، چه در داخل و چه در خارج کشور، برای انتشار پیام‌های ناامیدکننده و ایجاد حس یأس به کار گرفته می‌شوند. از دیگر ابعاد این عملیات، تلاش برای بهره‌گیری از الگوریتم‌های پلتفرم‌های دیجیتال برای افزایش دیده شدن پیام‌های ناامیدکننده و کاهش دسترسی مخاطبان به محتوای امیدآفرین است. این عملیات شامل تعامل با شرکت‌های فناوری، همچنین استفاده از تکنیک‌های پیشرفته در زمینه دستکاری محتوا و ایجاد تعامل مصنوعی با پست‌های خاص می‌شود.

به گونه‌ای بازنمایی می‌شود که کم‌اهمیت یا ناپایدار جلوه کند. ایجاد بحران‌های مصنوعی از طریق پخش اخبار جعلی یا تحریف‌شده نیز بخشی از این پروژه‌هاست که این بحران‌ها عمدتاً در حوزه‌هایی مانند کمبود آب، انرژی یا حتی سلامت عمومی برجسته‌سازی می‌شود.

■ **نقش رسانه‌های اجتماعی در عملیات ناامیدسازی**

رسانه‌های اجتماعی یکی از ابزارهای کلیدی در این جنگ هستند. پلتفرم‌هایی نظیر ایکس، اینستاگرام و فیسبوک به عنوان میدان‌های اصلی جنگ سایبری عمل می‌کنند و در آنها از حساب‌های جعلی و ربات‌هایارای ترویج محتواهای ناامیدکننده استفاده می‌شود. تولید محتوای تصویری و ویدئویی احساسی و تحریک‌کننده با هدف ایجاد حس سرخوردگی و بی‌اعتمادی

علیه ایران نباید غافل شد.

■ **مروری بر پروژه‌های اجراشده در عملیات ناامیدسازی**

از جمله پروژه‌های کلیدی در حوزه ناامیدسازی می‌توان به ناکارآمدنمایی اقتصادی اشاره کرد. کمپین‌هایی که تورم، بیکاری و بحران‌های ارزی ایران را برجسته می‌کنند و از محتوای تصویری، نمودارهای آماری و گزارش‌های تحلیل‌محور برای متقاعدسازی افکار عمومی بهره می‌برند. تحریک نارضایتی‌های اجتماعی از طریق بزرگنمایی شکاف‌های طبقاتی، اعتراضات و نارضایتی‌های مردمی نیز تلاش دیگری است که حس بی‌اعتمادی و ناامیدی را در جامعه افزایش می‌دهد. در حوزه سیاست خارجی هم تخریب موفقیت‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، نظیر توسعه روابط منطقه‌ای و مقابله با تروریسم،

آسیا با ترامپ چه می‌کند؟

دائمی در سال ۱۷۹۶ در سیاست خارجی آمریکا وجود داشته است. پیش از جنگ دوم جهانی، ایالات متحده تنها به صورت مقطعی در امور خارجی درگیر می‌شد و حمله به پرل هاربر و تهدید شوروی پس از جنگ بود که واکنشتن را به درگیری پایدار خارجی کشاند. با این حال، از زمان فروپاشی شوروی و به‌رغم وجود چین و روسیه، با تهدیدی مشابه شوروی مواجه نشده. بنابراین به جای جست‌وجوی ارزش‌های مشترک خیالی، متحدهان و شرکای ایالات متحده باید سیاست خارجی دولت دوم ترامپ را بازگشتی به موقعیت طبیعی این کشور بدانند. آنها باید بیاموزند با واشنگتن نه به‌عنوان ابرقدرتی با تمایل نل محدود برای دفاع از آنها، بلکه به‌عنوان موازنه‌گری فرامرز برخورد کنند که نیرویش را گزینشی و برای پیشبرد منافع خود به کار می‌گیرد.

شوک بزرگی به متحدهان آمریکا وارد کرد اما زاین تحت رهبری آبه شینزو تاوست این پیمان را حفظ کند. امروز رهبران استرالیه، ژاپن و کره‌جنوبی از پایگاه سیاسی ضعیفی برخوردارند و رئیس‌جمهور اندونزی نیز هنوز نتوانسته خود را در منطقه تثبیت کند. منطقه‌ای که به‌وضوح نیازمند رهبری قوی است اما هیچ نامزد آشکاری برای این نقش وجود ندارد.

■ **اول، همیشه آمریکا بوده**

تجربه طولانی آسیا با واشنگتن نشان می‌دهد ترامپ پدیده‌ای منحصر‌به‌فرد نیست. کشورهای بزرگ مانند ایالات متحده تمایل دارند بیشتر به درون خود نگاه کنند تا بیرون. بی‌میلی ترامپ به درگیر شدن در تعهدات خارجی، بازتابی از جریان فکری است که از زمان جرج واشنگتن و هشدار او درباره پیمان‌های

مالزی، تایلند و ویتنام نیز شود. یکن به طریقی تلافی خواهد کرد

اما مشکلات اقتصادی داخلی، از جمله کاهش اعتماد به مدیریت اقتصادی و بحران املاک، توانایی چین را برای پاسخگویی محدود می‌کند. این شرایط می‌تواند چرخه معیوبی ایجاد کند که رشد اقتصادی چین را بیشتر تضعیف کرده و تنش‌های تجاری با غرب را افزایش دهد. در کنار این چالش‌ها، رقابت فزاینده بین ایالات متحده

و چین ادامه خواهد داشت، اگرچه بازدارندگی هسته‌ای، درگیری

نظامی را تقریباً ناممکن می‌کند. بسیاری از دولت‌های آسیایی سعی خواهند کرد با همکاری‌های نزدیک‌تر، خود را در برابر ابهامات ناشی از سیاست‌های اقتصادی چین و بازگشت ترامپ بیمه کنند. با این حال، فقدان رهبری قوی در منطقه یک چالش بزرگ است. تصمیم ترامپ در سال ۲۰۱۷ برای خروج از پیمان تجاری اقیانوس آرام، اعمال خواهد کرد و این تعرفه‌ها ممکن است شامل کشورهای مانند

ادامه از صفحه اول

حتی کشورهای غیرمتعهد به آمریکا، مانند هند، اندونزی و ویتنام به دلیل نگرانی از چین، به واشنگتن نزدیک‌تر شده‌اند. این روند از دوره اول ترامپ آغاز شد و در دوران

بایدن گسترش یافت.

■ **در جست‌وجوی یک رهبر**

مهم‌ترین نگرانی آسیا با بازگشت ترامپ، سیاست تجاری اوست. ترامپ بارها اعلام کرده «عرفه» عبارت محبوس است و دولت‌های خارجی باید این موضوع را جدی بگیرند، بویژه اگر افرادی تندرو (مانند جیمیسون گریر) به نقش‌های کلیدی در سیاست تجاری آمریکا دست یابند. ترامپ احتمالاً تعرفه‌های جدیدی علیه چین اعمال خواهد کرد و این تعرفه‌ها ممکن است شامل کشورهای مانند